

تبیین الگوی سبک زندگی جامعه اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و نقش آن در نظم و امنیت

محمد حسین ضیا الدینی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۵

چکیده

زمینه و هدف: اسلام به عنوان دینی که فرستاده خداوند متعال است، همانطور که در آفرینش به نظم توجه کرده، در تعلیم و تربیت کودکان نیز به درونی سازی مفاهیم نظم و امنیت بها داده و از طریق دستوراتی تجویزی در دوره‌های مختلف رشد فرزندان به درونی سازی این مفاهیم توجه می‌نماید. هدف این مقاله تبیین الگوی سبک زندگی جامعه اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) است.

روش: پژوهش حاضر با روش کتابخانه‌ای و اسنادی به بررسی سخنان مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و آیات، احادیث و متون اسلامی پرداخته است.

نتایج: نتایج به دست آمده حاکی از آن است که با توجه به رشد تکنولوژی و تأثیر معرفی سبک‌های جدید و جذاب بیگانه در رسانه‌های اجتماعی بر اقشار مختلف جامعه و در نتیجه استفاده و وابستگی به این رسانه‌های اجتماعی، این سبک‌ها کم‌کم در زندگی فرد جایگاه مشخصی پیدا خواهد کرد، و پس از مدتی جزئی از سبک زندگی فردی و جمعی افراد خواهد شد؛ لذا با توجه به جوان بودن جمعیت کشور ضروری است با تأثیرپذیری از گفتمان سبک زندگی در بیانات مقام معظم رهبری و سبک زندگی اسلامی که در قرآن و روایات ائمه معصومین(ع) بیان گردیده است.

کلمات کلیدی: سبک زندگی، جامعه اسلامی، نظم و امنیت

^۱ - کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، عضو پژوهشگران دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی استان کرمان- تلفن: ۰۹۱۳۲۴۲۷۱۶۲ -trafice-safety82@yahoo.com

مقدمه

سبک زندگی اصطلاحی است که در فرهنگ سنتی چندان کاربردی ندارد چون ملازم با نوعی انتخاب از میان تعداد کثیری از امکان‌های موجود است؛ سخن گفتن از کثرت انتخاب نباید به این پندار بینجامد که در (باب) همه انتخاب‌ها به روی افراد باز است. یا آنکه همه مردم تصمیم‌های مربوط به انتخاب‌های خویش را با آگاهی کامل از کلیه امکانات موجود بر می‌گزینند. چه در عرصه کار و چه در عرصه مصرف، برای همه گروه‌های که از قید فعالیت‌های سنتی آزاد شده‌اند، انتخاب‌های گوناگون در زمینه سبک زندگی وجود دارد (رحمت‌آبادی، آقا بخشی؛ ۱۳۸۴). در ادبیات جامعه‌شناسی، از مفهوم سبک زندگی دو برداشت متفاوت به عمل آمده است. در صورت‌بندی نخست سبک زندگی، معرف ثروت و موقعیت اجتماعی افراد و غالباً به‌عنوان شاخصی برای تعیین طبقه اجتماعی به کار رفته است. در صورت‌بندی دوم، سبک زندگی، نه راهی برای تعیین طبقه اجتماعی، بلکه شکل اجتماعی نوینی دانسته می‌شود که تنها در متن تغییرات فرهنگی مدرنیته و رشد فرهنگ مصرف‌گرایی معنا می‌یابد. در این معنا سبک زندگی راهی است برای تعریف ارزش‌ها و نگرش‌ها و رفتارهای افراد که اهمیت آن برای تحلیل‌های اجتماعی روزبه‌روز افزایش می‌یابد (ابازری و چاوشیان، ۱۳۸۱: ۶).

رواج شیوه‌های جدید رفتار اجتماعی برای پر کردن فضاهاى زندگی (مثلاً: پاساژگردی، توجه به رسانه‌های مختلف، مدیریت بدن تمرکز بر ورزش و...) فردی شدن، اهمیت یافتن سیاست زندگی بر اساس ترجیحات سبک‌های زندگی متفاوت، از جمله زمینه‌های اصلی‌ای هستند که شرایط جدیدی را پیشروی افراد قرار داده‌اند.

این بدان معناست که این تحولات که در قالب جهانی شدن فرهنگی رخ می‌دهد علاوه بر تأثیر بر ذوق، سلیقه، گذران اوقات فراغت و در نهایت سبک زندگی افراد، نگرش به

خود و جامعه و میزان هویت اجتماعی آن‌ها را نیز تحت تأثیر قرار داده است (خواجانه‌نوری، پرنیان و همت، ۱۳۹۳: ۷۰).

سبک زندگی افراد و جوامع بیانگر هویت شخصی و اجتماعی و معرف شخصیت فرد یا جامعه‌ای خاص است و هم چنین می‌توان آن را به‌عنوان شاخص و نشانه‌ای از هویت و ارزش فرد یا جامعه تلقی کرد (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۲۰). به همین دلیل سبک زندگی افراد و جوامع را می‌توان به‌عنوان یکی از شاخص‌های سنجش کیفیت ایمان، عمق باورها و ارزش‌هایشان مورد استفاده قرار داد. ارتباط این دو حوزه تا جایی است که با ترویج نوع خاصی از سبک زندگی، می‌توان باورها و ارزش‌های مرتبط با آن را نیز انتقال داد؛ زیرا سبک زندگی در حقیقت ناقل پیام‌هایی درباره باورها و ارزش‌هاست (یعقوبی دوست، ۱۳۹۵: ۲۰۶).

در عصر جدید، که دوران مابعد سنتی است، در برابر شکل‌های نوین تجربه باواسطه، هویت شخصی به صورت رفتارهایی جلوه‌گر می‌شود که به‌طور بازتابی بروز می‌کنند. این تصویر بازتابی از خویشتن، بر روایت‌های زندگی‌نامه وار منسجم و همواره قابل تجدیدنظری استوار است که در تار و پود انتخاب‌های متعدد و برآمده از نظام‌های مجرد جای می‌گیرند. در زندگی اجتماعی امروزمین، مفهوم شیوه یا سبک زندگی معنایی خاص به خود می‌گیرد. هرچه نفوذ و کشش صنعت کمتر می‌شود و هرچه زندگی روزمره بیشتر برحسب تأثیرات متقابل عوامل محلی و جهانی بازسازی می‌شود، افراد بیشتر ناچار می‌شوند سبک زندگی خود را از میان گزینه‌های مختلف انتخاب کنند (گیدنز، ۱۳۸۳: ۲۰). از نظر گیدنز^۱ رسانه‌ها نقش مهمی در تبلیغ سبک‌های زندگی مختلف دارند. طیف سبک‌های زندگی با گونه‌های آرمانی که در رسانه‌ها طرح می‌شوند شاید محدود باشند

^۱ - Anthony Giddens

ولی گسترده‌تر از سبک‌های زندگی‌ای هستند که افراد قاعدتاً در زندگی روزمره خود در قالب آن‌ها جای می‌گیرند. البته به اعتقاد گیدنز رسانه‌ها در جهان جدید در عین اینکه امکان‌ها و گونه‌ها را به دست می‌دهند، تفسیرهای باریک‌اندیشانه‌ای از نقش‌ها یا سبک‌های زندگی خاص نیز ارائه می‌دهند (خوشنویس، ۱۳۸۹: ۱۱).

شبکه‌های اجتماعی از جمله رسانه‌هایی هستند که با توجه به ماهیتی که دارند، با حذف تمامی محدودیت‌های فیزیکی و تشکیلاتی، فرصت‌هایی را برای کاربران خود ایجاد نموده‌اند؛ لذا افراد متعددی از سراسر جهان با تخصص‌های گوناگون به عنوان کاربران این شبکه فعالیت می‌کنند و اطلاعات گوناگونی را در زمینه‌های مختلف آن به اشتراک می‌گذارند، می‌توان گفت که وسعت کاربرد شبکه‌های اجتماعی به اندازه تمامی زمینه‌هایی است که امروزه بشر در آن به فعالیت مشغول است و آنقدر مورد توجه اندیشمندان و کارشناسان قرار گرفته است که به عنوان بعد کلیدی قدرت در جهان در قرن ۲۱ مطرح شده است. جوامع مجازی در اینترنت با گستر خود قلمروهای سرزمینی را به نوعی حذف کرده و الگوی حاکمیتی خود را به وجود می‌آورند، تا جاییکه دولت‌ها محوریت خود را در زندگی مردم از دست خواهند داد. مردم با قراردادهای داوطلبانه زندگی خواهند کرد و به سادگی یک کلیک به جوامع وارد و یا از آن‌ها خارج خواهند شد. این الگوی جدید تغییر جوامع و حاکمیت مشابه امروزی و مدنیتر دنیای فنوئودالی خواهد شد که پیش از ظهور دولت مدرن وجود داشت (نای، ۱۳۸۹). هدف از این مقاله تبیین الگوی سبک زندگی جامعه اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) است.

پیشینه و مبانی نظری

نتایج پژوهش نیمروزی و ظریفی (۱۳۹۴) نشان می‌دهد که بین سبک‌های زندگی جوانان و میزان دینداری آنان رابطه مثبت و قوی با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ وجود دارد. علاوه بر این نتایج، چنین سطح معنی‌داری را نیز برای ارتباط بین ابعاد سبک زندگی با دینداری و ابعاد آن نشان می‌دهد؛ بنابراین فرضیه رابطه بین سبک زندگی و دینداری اثبات می‌شود که بیانگر این است که انتخاب نوع سبک زندگی افراد متأثر از میزان دینداری آنان است.

نتایج پژوهش کرمی و زادمهر (۱۳۹۱) نشان می‌دهد که از میان متغیرهای مستقل تحقیق -مانند دین‌داری و سن- که وجود رابطه آن‌ها با متغیر وابسته در حد ضعیف تأیید شد، بیش‌ترین میزان همبستگی میان دین‌داری و سبک زندگی ($r=162$) وجود دارد. هم‌چنین فرضیه‌های رابطه میان سبک زندگی زنان، مدیریت بدن، هنجارهای مصرف اثبات شد. مهم‌ترین دستاورد پژوهش حاضر به ارتباط میان دین‌داری و سبک زندگی افراد مربوط می‌شود. با کم‌رنگ شدن اقتدار نهادهای سنتی دینی و رواج انتخاب‌گری فردی در حوزه دین و ترکیبی شدن اصول فکری و عقیدتی، سخنگویان دین، دیگر تنها عامل اثرگذار بر واکنش افراد نسبت به مسائل مختلف اجتماعی، تصمیم‌گیری‌ها و نظرات نیستند.

بر مبنای نتایج، بیش‌ترین تبیین‌کنندگی دین، در حوزه هنجارهای مصرف ($r = 247$) بود؛ که به نوبه خود رقم قابل توجهی نیست. هم‌چنین، می‌توان نتیجه را بر مبنای ظهور انواع دین‌داری تبیین نمود، پیدایش اشکال بسیار متنوع و فردی دین‌داری از عرصه‌هایی است که بی‌شکلی دوران مدرن را بازتاب می‌دهد.

نتایج پژوهش حجازی وحیدرخانی (۱۳۹۱) نشان می‌دهد که بین میزان دینداری و سبک زندگی (بعد هنجارهای مصرف) رابطه وجود دارد؛ بین میزان دینداری و سبک زندگی (بعد روابط بین شخصی) رابطه وجود دارد؛ بین دینداری و میزان کل سبک زندگی رابطه وجود دارد؛ سبک زندگی پاسخگویان برحسب تحصیلات آنان متفاوت است؛ سبک زندگی پاسخگویان بر حسب وضعیت تأهل آنان متفاوت است؛ اما بین متغیرهای دینداری و بعد مدیریت بدن سبک زندگی و همچنین سن و سبک زندگی ارتباط معناداری مشاهده نشد.

ماکس وبر

در میان جامعه شناسان کلاسیک، ماکس وبر تنها کسی است که بدون داشتن هیچ اندیشه مبسوطی درباره مصرف و نقش آن در دنیای مدرن، از مفهوم سبک زندگی استفاده کرده و برای نشان دادن سلسله مراتب و قشربندی اجتماعی از آن استفاده می‌کند. وبر بیش از ویلن و زیمل به سبک زندگی پرداخته است. وبر، در بحث طبقه، ایده، مارکس مبتنی بر تمایز طبقات اجتماعی بر مبنای تولید را می‌پذیرد اما مفهوم مصرف را نیز به آن می‌افزاید. وبر در قرن بیستم طبقه را بر مبنای مصرف بخش‌بندی کرد. در مفهوم گروه‌های منزلتی وبر در هر طبقه نیز می‌توان سبک‌های زندگی متفاوتی را مشاهده کرد. تعریف وبر از سبک زندگی چنین است: «... شیوه‌های رفتار، لباس پوشیدن، سخن گفتن، اندیشیدن و نگرش‌هایی که مشخص‌کننده گروه‌های منزلتی متفاوت است ... (فاضلی، ۱۳۸۲: ۲۸).

از نظر وبر «سبک زندگی» در قالب پایگاه و گروه منزلتی معنی یابد، به این ترتیب یک سبک زندگی معین، بر همه اعضای یک گروه منطبق است و نه فقط بر یک فرد (برخلاف دیدگاه روانشناسی فردی آدلر)؛ به عبارت دیگر از نظر وبر «... دلیل اصلی برای نوع خاص از سبک زندگی به نیاز گروهی از جامعه برای تأیید اعتبار موجودیت (جداگانه) خویشتن

برای خود و دیگران باز می‌گردد»؛ زیرا «سبک‌های زندگی مشخص، تقسیمات موجود در) نظم اجتماعی را مشروعیت می‌بخشد.» (فاضلی، ۱۳۸۲)

وبر در تحلیل چندبعدی به سه مفهوم سبک زندگی یا سبک مند شدن زندگی، تدبیر زندگی و بخت زندگی اشاره می‌کند. وی خصیصه اصلی سبک زندگی را انتخابی بودن آن می‌داند که محدود به برخی مصادیق ساختاری است و این محدودیت‌ها اقتصادی و اجتماعی‌اند. وبر کارکرد دوگانه‌ای برای سبک زندگی قائل است. از یک طرف موجب تفاوت بین گروهی می‌شود و به برتری‌های منزلتی و طبقاتی مشروعیت می‌بخشد و از سوی دیگر موجب انسجام بخشیدن درون‌گروهی می‌شود. به نظر وبر به‌طور معمول افتخار منزلت در «سبک زندگی» بروز می‌یابد. سبک زندگی بیش از آنکه بر تولید استوار باشد، بر اساس رهیافت مارکس بر تولید استوار باشد، بر شباهت الگوهای مصرف استوار است از نظر او، مصرف فرایندی است شامل کردارهای اجتماعی و فرهنگی متفاوت که بیان‌کننده تفاوت‌های میان گروه‌های اجتماعی است و فقط ناشی از عوامل اقتصادی نیست (فاضلی، ۱۳۸۲، به نقل از مجدی و همکاران، ۱۳۸۹).

گیدنز

سبک زندگی روش الگومند مصرف، درک و ارزش‌گذاری محصولات فرهنگ مادی است که استقرار معیارهای هویتی را در چارچوب زمان و مکان ممکن می‌سازد. سبک زندگی اساساً متوجه معانی نمادین محصولات است یعنی آنچه در ورای هویت آشکار این محصولات نهفته است، این رویکرد راهی است که به درک مدرن بودن سبک‌های زندگی و تقابل آن‌ها با شکل‌بندی‌های پیشین می‌انجامد و این معانی نمادین اموری توافقی هستند که پیوسته در حال از نو ابداع شدن هستند (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۲۰).

دگرگونی‌های فرهنگی اجتماعی در دهه‌های اخیر، اصلی‌ترین مضمون مورد توجه گیدنز نیز می‌باشد. گیدنز همانند بوردیو، با مساله رقابت میان جامعه‌شناسی کلان و خرد یا رقابت میان دیدگاه‌هایی که تأکید بر عاملیت دارند با دیدگاه‌هایی که بر ساختار تأکید می‌کنند سروکار دارند. در متن نظم و ترتیبات مابعد سنتی «خود مبدل به یک پروژه بازتابی شده است» (گیدنز، ۱۳۸۰: ۳۲). بازتابی بودن سبک‌های زندگی بدین معناست که هر سبک زندگی در متن خود معنایی ضرورتاً نامعین دارد، بنابراین قطعی نبودن معنای سبک زندگی یعنی نفی امکان تبیین کافی معنا توسط تعیین‌کننده‌های ساختاری، بازتابندگی اشاره‌ای است به اینکه معانی فعالیت‌های سبک زندگی اساساً توسط نیروهای وسیع‌تر تعیین نمی‌شود، بلکه طی فرایند داد و ستد علی‌زیست جهان‌های متمایز، معانی روش‌های استفاده از مواد و مصالح نمادین مصرف‌انبوه، مبدل به اشیاء و اعمال ملموس می‌شوند که استعاره‌ای برای خودشان می‌باشند؛ بازتابندگی اشاره‌ای است به استفاده از اطلاعات مربوط به شرایط فعالیت به‌عنوان ابزاری برای تنظیم و تعریف مجدد و قاعده‌مند معنا و چیستی رفتار (گیدنز، ۱۳۸۵: ۸۶). بنابراین نزد گیدنز، تحول سبک‌های زندگی و دگرگونی‌های ساختاری مدرنیته متأخر به‌واسطه بازتابندگی منادی به یکدیگر گره می‌خورند. «بدلیل باز بودن زندگی اجتماعی امروز، کثرت یافتن زمینه‌های کنش و تعداد مراجع مقتدرتر، انتخاب سبک زندگی برای ساختن هویت فردی و در پیش گرفتن فعالیت‌های روزانه، به‌طور فزاینده‌ای اهمیت می‌یابد» (گیدنز، ۱۳۸۵: ۸۸).

گیدنز معتقد است که «سبک زندگی را می‌توان به مجموعه‌ای کم و بیش جامعه از عملکردها تعبیر کرد که فرد آن‌ها را به کار می‌گیرد چون نه فقط نیازهای جاری او را برآورند بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت شخصی خود بر می‌گزیده است، در برابر دیگران مجسم می‌سازد» (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۱۹).

زیمل

از نظر زیمل «سبک زندگی» همان فرهنگ است اما فرهنگ در محدوده زمان و فضا یک فرد یا اجتماع. زیمل در مقاله «مد»، جهان مدرن را عنصری «عصبی» ارزیابی می‌کند که در آن برخلاف، عرصه انتخاب برای مصرف بسیار وسیع است؛ و این تنوع و انتخاب و تکثر گونه‌هاست که به افراد امکان می‌دهد که خود را از دیگران متمایز سازند. به دنبال همین اندیشه است که امروزه یکی از مؤلفه‌های بسیار مهم «سبک زندگی» را «قدرت انتخاب» می‌دانیم (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۴۵-۵۰).

زیمل گسترش مصرف‌گرایی و رواج مدگرایی در مصرف را نیز در سطح کلان تحلیل می‌کند تمایل افراد به مد را حاصل کشاکش فرد و جامعه می‌داند. به نظر وی، اگرچه دنیای مدرن منجر به آزادی فرد اسارت شده، اما خود محدودیت‌هایی را برای فرد ایجاد کرده است؛ به نحوی که افراد برای حفظ آزادی خود به پدیده‌ای چون مد پناه می‌برند تا به واسطه آن هویت خود را تعریف کنند (حمیدی و فرجی، ۱۳۸۶: ۱۲).

سبک زندگی: سبک زندگی مجموعه تقریباً هماهنگی است از تمامی رفتارها و کنش‌هایی که یک فرد در طول زندگی روزمره از خود نشان می‌دهد، در واقع سبک زندگی نمودی از جهت‌گیریها و عادات روزانه است که در دیدگاه آنتونی گیدنز این مجموعه عادات برخوردار از نوعی وحدت است که علاوه بر اهمیت خاص خود از نظر تداوم امنیت وجودی و پیوندی بین گزینش‌های فرعی موجود در یک الگوی کم و بیش منظم را تأمین می‌نماید (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۲۱)

نظم و امنیت: نظم اجتماعی به معنای اطاعت تمامی اعضای یک جامعه از هنجارها، ارزش‌ها و قوانینی است که اساس قوام جامعه را تشکیل می‌دهند (بیرو، ۱۳۸۰: ۳۶۸). پارسنز برای نظم اجتماعی چهار ضرورت کارکردی را مطرح می‌نماید: ۱- انطباق با محیط

اجتماعی، ۲- هدف یابی و پی جویی اهداف نظام اجتماعی، ۳- انسجام اجتماعی در جامعه، ۴- حفظ الگوهای فرهنگی و تداوم آن‌ها در جامعه (چلبی، ۱۳۷۷: ۶۸). به طور کلی نظم و امنیت، لازم و ملزوم یکدیگرند، جامعه بدون نظم اجتماعی فاقد امنیت است و فقدان امنیت نشانگر بی نظمی اجتماعی است (امیری، ۱۳۸۷: ۸۹).

امنیت نیز از جمله مفاهیم پیچیده‌ای است که ارائه تعریف واحدی از آن به سادگی میسر نمی‌باشد و بیش از آنکه مقوله‌ای قابل تعریف باشد پدیده‌ای ادراکی و احساسی است، در تعریف لغوی آن آمده است محافظت در مقابل خطر، احساس ایمنی و رهایی از تردید (بوزان، ۱۳۸۷: ۵۲). مفهوم امنیت اجتماعی با الهام و تأثیرپذیری از مکتب کپنهاک پدید آمد که محققانی مانند باری بوزان و اولی ویور آن را گسترش داده‌اند (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۲۱). در اندیشه بوزان، هر عامل و پدیده‌ای که باعث ایجاد اختلال در احساس تعلق و همبستگی اعضای یک گروه گردد، در واقع هویت آن گروه را به مخاطره انداخته و تهدیدی برای امنیت اجتماعی آن قلمداد می‌گردد (بحری‌پور، ۱۳۹۱: ۹۵). واژه امنیت که از ماده «امن» می‌باشد در لغت نامه دهخدا در معانی زیر آمده است: امن یعنی ایمن شدن، بی‌هراس شدن، بی‌بیم شدن، اعتماد کردن، به امین پنداشتن، ضد خوف، امنیت و آسودگی و غیره و علی القاعده نقطه مقابل واژه امنیت، ناامنی، اضطراب، دلهره و ترس است (منصورنژاد، ۱۳۸۸: ۲۴).

در دنیای امروز فرهنگ مصرف طیف وسیعی از انتخاب‌ها را در اختیار مصرف کنندگان قرار می‌دهد و هر انتخاب نشانگر ارزش‌ها، علاقه مندی‌ها، نگرش‌ها و ذائقه‌هایی است که ممکن است ویژگی گروهی اجتماعی باشد پس مفهوم مصرف (سبک زندگی) به مفهوم هویت جمعی مربوط می‌شود.

از نظر گیدنز سبک‌های زندگی رفتارهای عادی روزمره هستند که در قالب عادات لباس پوشیدن، خوردن، محیط‌های مورد پسند برای تعامل با دیگران، خود را نشان می‌دهد. اما این رفتارهای عادی روزمره در پرتو ماهیت متغیر تشخص در معرض تغییر هستند. هر یک از تصمیمات ریز و درشتی که یک فرد روزانه اتخاذ می‌کند (این که چه بپوشد، چه بخورد، در محل کار چگونه رفتار کند، با چه کسی ملاقات کند) به چنین امور عادی کمک می‌کند. هر چه محیطی که فرد در آن زندگی می‌کند مدرن‌تر باشد، به همان میزان دغدغه‌های سبک زندگی در مرکز تشخص (هویت) فرد قرار می‌گیرند بیشترند. (شهابی، ۱۳۸۶: ۳۷).

سبک یا شیوه زندگی به واقع روش الگومند مصرف و درک و ارزش گذاری محصولات فرهنگ مادی است که استقرار معیارهای هویتی را در چارچوب زمان و مکان ممکن می‌سازد، سبک زندگی در واقع به معنای نمادین محصولات توجه دارد، یعنی آنچه در ورای هویت آشکار این محصولات نهفته است، سبک زندگی اصطلاحی است که در فرهنگ سنتی چندان کاربردی ندارد، چرا که همراه با نوعی انتخاب از بین تعداد بسیاری از امکان‌های موجود است، این رویکرد راهی است که به درک مدرن بودن سبک‌های زندگی و تقابل آن‌ها با شکل بندی‌های پیشین می‌انجامد و این معنای نمادین، اموری توافقی هستند که مدام در حال از نو ابداع و خلق شدن هستند. (گیدنز، ۱۳۸۷: ۱۲۰).

در زبان‌های مختلف از ترکیب «سبک زندگی» در شکل‌های مختلف یاد شده، در زبان آلمانی "Lebensstil" و در زبان انگلیسی در شکل "Life Style" و امروزه بیشتر به صورت "Lifestyle" استفاده شده است. این ترکیب از دو واژه «سبک» «Style» و «زندگی» «Life» تشکیل می‌شود. معنای لغوی واژه «زندگی» روشن است اما در تعریف واژه سبک در لغت نامه‌ها معانی گوناگونی درج شده است که البته ریشه در کاربرد آن در

علوم مختلف دارد. امروزه این کلمه در زبان انگلیسی: (۱) نوع، روش، سبک اثاثیه و ... (۲) شیوه و روش انجام چیزی به خصوص شیوه‌ای که برای فرد، گروهی از مردم، مکان یا دوره‌ای، نوعی باشد. (۳) مُد به خصوص در پوشیدن، پنداشته می‌شود (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۴۶-۴۸).

فرهنگ آکسفورد، سبک زندگی را «راه‌های گوناگون زندگی فرد یا گروه» می‌داند و فرهنگ لانگ‌من، آن را «راه یا سبکی برای زیستن» می‌خواند و فرهنگ رندم هاووس، چنین می‌نویسد: «عادات یا منش‌ها، رویکردها، ذوق‌ها و قرائح، استانداردهای اخلاقی، سطح اقتصادی و ... همه این‌ها در مجموع روش زیستن فرد یا گروه را می‌سازد (خادمیان، ۱۳۸۷: ۱۶-۱۵). بطور کلی سبک زندگی عبارت است از «الگوی همگرا (کلیت تامی) یا مجموعه منظمی از رفتارهای بیرونی و درونی، وضع‌های اجتماعی و دارایی‌ها که فرد یا گروه بر مبنای پاره‌ای از تمایلات و ترجیح‌ها (سلیقه) اش و در تعامل با شرایط محیطی خود ابداع یا انتخاب می‌کند» (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: الف ۷۸).

مفهوم سبک زندگی در دنیای جدید را باید در ارتباط با مدرنیته مورد بررسی قرار داد. مدرنیته با امکانات خود از طریق خلق تنوع، فرد را با انتخاب‌های گوناگون و پیچیده مواجه می‌سازد. زندگی نوین با افزایش آگاهی و ایجاد فرصت برای ساختن و دوباره ساختن تاریخ زندگی شخصی (هویت و سبک زندگی) نمود پیدا می‌کند (روزنگرین و ارلیک^۱، ۱۹۹۶: ۲۶۵). سبک زندگی همان بخشی از زندگی است که عملاً تحقق می‌یابد. طیف کامل فعالیت‌هایی است که افراد در زندگی روزمره انجام می‌دهند. در عرصه‌های مختلف زندگی با مجموعه رفتارهایی رو به روییم که یک ویژگی محوری بر آن حاکم است، مانند سبک زندگی در مصرف فرهنگی، بهداشتی و شرط تحقق سبک زندگی،

انتخاب است. یعنی فرد در میان محدودیت‌های ساختاری فرهنگ خود می‌تواند دست به انتخاب بزند (خادمیان، ۱۳۸۷: ۲۵).

در دهه‌های اخیر بدون داشتن سبک زندگی، یعنی بدون چارچوب‌هایی مشخص که شباهت‌ها و تفاوت‌ها را آشکار می‌سازد، افراد یک جامعه امکان برقراری ارتباطی معنادار و پایدار میان خود نخواهند داشت. نمایش مدرن اشیاء، نمایش سلسله‌اشیائی است که یکدیگر را تکمیل می‌کنند، حق انتخاب را نشان می‌دهند و جامعه‌ای مملو از نمایش و جلوه که در آن مصرف‌کننده احساس می‌کند که هرچه می‌خواهد می‌یابد، بوجود آمده است. کلیدی‌ترین ویژگی این جامعه را باید در اجتناب‌ناپذیری افزایش درجه انتخاب در ساخت و عرصه کالا به حساب آورد (رحمت‌آبادی و آقابخشی، ۱۳۸۵: ۲۴۰).

از طرف دیگر، دین لایه‌های درونی و بیرونی نظام فرهنگی جوامع مختلف را شکل می‌دهد به همین دلیل همه جوامع به معنای اعم دارای دین می‌باشند و هیچ جامعه وجود ندارد که جهت‌گیری دینی نداشته باشد. افراد نیز در انتخاب سبک زندگی خود به دو عنصر زمان و مکان توجه می‌کنند، برای همین با تغییر ارزش‌ها سبک زندگی مردم نیز تغییر می‌کند. از آنجایی که ما دین اسلام را آخرین و کاملترین دین می‌دانیم و معتقدیم که برای تمامی مسائل زندگی از خرد و کلان برنامه‌های منظم و حساب شده دارد، به دنبال سبک زندگی اسلامی برای تربیت کودکان می‌باشیم (اسلامی نسب بجنوردی، ۱۳۷۹: ۹۸).

سبک زندگی اسلامی از خلال آیات مبین قرآن کریم و سیره عملی پیامبران و امامان معصوم استخراج می‌گردد. سیره تربیتی معصومان (پیامبر و اهل بیت) عبارت است از «هر رفتاری که یکی از معصومان برای اثرگذاری بر شناخت، نگرش، اخلاق و رفتار دیگران، اعم از مسلمان و غیر مسلمان، اصحاب و غیر اصحاب، کودک و بزرگسال و فرزندان و

خانواده خود یا دیگران، در محیط خانه، مسجد، کوچه و بازار یا هر جای دیگر انجام داده‌اند» (داوودی و حسینی زاده، ۱۳۸۹: ۱۲).

از این رو برای شرح و تبیین سبک زندگی اسلامی، در خصوص تعلیم و تربیت نظم و امنیت به کودکان به عنوان شهروندان آینده جامعه، باید به جستجو و کنکاش در آیات قرآن مجید و روایات و احادیث نبوی پردازیم. تا از خلال آن‌ها مضامین و مفاهیم مرتبط با نظم و امنیت را استخراج نماییم و بتوانیم سبک زندگی اسلامی را در تعلیم و تربیت کودکان و درونی سازی مفاهیم نظم و امنیت برای آن‌ها شرح نماییم.

نظم و امنیت: نظم اجتماعی به معنای اطاعت تمامی اعضای یک جامعه از هنجارها، ارزش‌ها و قوانینی است که اساس قوام جامعه را تشکیل می‌دهند (بیرو، ۱۳۸۰: ۳۶۸). پارسنز^۱ برای نظم اجتماعی چهار ضرورت کارکردی را مطرح می‌نماید: ۱- انطباق با محیط اجتماعی ۲- هدف یابی و پی جویی اهداف نظام اجتماعی ۳- انسجام اجتماعی در جامعه ۴- حفظ الگوهای فرهنگی و تداوم آن‌ها در جامعه (چلبی، ۱۳۷۷: ۶۸). به طور کلی نظم و امنیت، لازم و ملزوم یکدیگرند، جامعه بدون نظم اجتماعی فاقد امنیت است و فقدان امنیت نشانگر بی نظمی اجتماعی است (امیری، ۱۳۸۷: ۸۹).

امنیت نیز از جمله مفاهیم پیچیده‌ای است که ارائه تعریف واحدی از آن به سادگی میسر نمی‌باشد و بیش از آنکه مقوله‌ای قابل تعریف باشد پدیده‌ای ادراکی و احساسی است، در تعریف لغوی آن آمده است محافظت در مقابل خطر، احساس ایمنی و رهایی از تردید (بوزان^۲، ۱۳۸۷: ۵۲). مفهوم امنیت اجتماعی با الهام و تأثیرپذیری از مکتب کپنهاک^۳ پدید آمد که محققانی مانند باری بوزان و اولی ویور^۴ آن را گسترش داده‌اند (غفاری، ۱۳۹۰:

^۱ -Parsons

^۲ -Buzan

^۳ -Copenhagen

^۴ -Ole Waever

۱۲۱). در اندیشه بوزان، هر عامل و پدیده‌ای که باعث ایجاد اختلال در احساس تعلق و همبستگی اعضای یک گروه گردد، در واقع هویت آن گروه را به مخاطره انداخته و تهدیدی برای امنیت اجتماعی آن قلمداد می‌گردد (بحری پور، ۱۳۹۱: ۹۵). واژه امنیت که از ماده «امن» می‌باشد در لغت نامه دهخدا در معانی زیر آمده است: امن یعنی ایمن شدن، بی‌هراس شدن، بی‌بیم شدن، اعتماد کردن، به امین پنداشتن، ضد خوف، امنیت و آسودگی و غیره و علی القاعده نقطه مقابل واژه امنیت، ناامنی، اضطراب، دلهره و ترس است (منصورنژاد، ۱۳۸۸: ۲۴).

برخی امنیت اجتماعی را حفظ جان، مال، ناموس و آبروی مردم و تأمین آرامش روحی و روانی آن‌ها تلقی می‌کنند (لات، ۲۰۰۴). به طور کلی امنیت اشکال گوناگونی دارد که عبارتند از: امنیت سیاسی، امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی، امنیت بین‌المللی، امنیت جمعی، امنیت نظامی و انتظامی، امنیت فکری و عقیدتی، امنیت اقتصادی و غیره. به طور نمونه، امنیت فردی: حالتی است که در آن فرد فارغ از ترس آسیب رساندن به جان یا مال یا آبروی خود یا از دست دادن آن‌ها زندگی کند؛ و امنیت اجتماعی: حالت فراغت همگانی از تهدیدی است که کردار غیرقانونی دولت یا دستگاهی یا فردی یا گروهی در تمامی یا بخشی از جامعه پدید آورد. در نظام حقوقی جدید فرض براین است که قانون با تعریف و حد‌گذاری آزادی‌ها و حقوق فرد و کیفر دادن کسانی که از آن حدود پا فراتر گذاشته‌اند، امنیت فردی و اجتماعی را پاسبانی می‌کنند، (تک آزادی‌های فردی) و دستگاه پلیس و دادگستری مأمور اجرای قانون و حمایت از فرد و جامعه در برابر قانون‌شکنان است (آشوری، ۱۳۷۴: ۳۹).

برای استقرار نظم و امنیت در جامعه، نیروی قهریه نظامی شکل می‌گیرد. در نظام جمهوری اسلامی ایران، براساس ماده ۳ قانون نیروی انتظامی، هدف از تشکیل این نیرو، استقرار نظم

و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی و نگرهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی، در چارچوب این قانون، در قلمرو کشور ایران، است؛ که در ماده ۴ همین قانون ۲۶ وظیفه برای نیروی انتظامی برشمرده شده است. و در آن توجه به ۳ اصل ضروری است: ۱- در رسیدن به اهداف خود، با جامعه همکاری و از نیروی مردمی استفاده نماید. ۲- پلیس در راستای اهداف خویش، نباید فقط به مقابله با وقوع جرم اکتفا کند، بلکه باید در زمینه پیشگیری، فعال تر عمل کند. ۳- حضور فعال پلیس، باید در جامعه کاملاً مشهود و ملموس باشد و در مواقع حضور، باید قوی و فعال و آگاهانه عمل کند (غفاری، ۱۳۹۰: ۲۰۴-۲۰۵). این بدان معنا است که نیروی پلیس به تنهایی و تنها با اتکا به نیروی زور و اجبار قادر به برقراری نظم و امنیت در جامعه نمی‌باشد و به همکاری و مشارکت اعضای جامعه نیازمند است و اقدام در جهت پیشگیری از بی نظم و بی امنیتی در جامعه به اندازه مبارزه با بی نظم و بی امنیتی در جامعه مهم و اساسی قلمداد می‌گردد.

سبک زندگی اسلامی

در این بخش با توجه به تعاریفی که از سبک زندگی، تعلیم و تربیت و نظم و امنیت ارائه گردید، به بررسی برخی از آیات و احادیث پیرامون این مباحث می‌پردازیم تا از طریق آن‌ها سبک زندگی اسلامی را در خصوص نظم و امنیت مورد توجه قرار دهیم. از این رو ابتدا به مفهوم نظم و پس از آن به مفهوم امنیت پرداخته شده است و در نهایت سبک زندگی اسلامی را در خصوص نظم و امنیت بیان داشته‌ایم.

الف) نظم:

امام علی (ع) در وصیت خود می‌فرماید: «به شما و همه فرزندان و کسانم و هرکس که این نامه به دست وی برسد، سفارس می‌کنم که تقوی پیشه سازید و کارهای خود را نظم

بدهید» (نهج البلاغه / ۹۷۷). بیان نظم بلافاصله بعد از تقوا از طرف امیر مومنان، بیانگر آن است که نظم در ردیف تقوا قرار دارد و یکی از واجبات فردی و اجتماعی است. ایشان در جای دیگر می‌فرمایند: «بپرهیز از شتابزدگی در کارها، پیش از رسیدن وقت آن‌ها و از اهمال‌گری در آن هنگام که امکان دست یافتن فراهم آمده باشد و از لجاجت کردن در آن هنگام که راه صواب دانسته نیست و از سستی نمودن در آن هنگام که راه عمل آشکار شده است؛ پس هر کار را در جای خود قرار بده و هر عمل را در موقع خود به انجام برسان» (نهج البلاغه / ۱۰۳۱). در اینجا نیز ایشان به اهمیت نظم در انجام امور اشاره کرده‌اند، که نه برای انجام کاری که وقت آن نرسیده باید شتاب کرد و نه از انجام کاری که وقت آن رسیده باید اجتناب کرد، و باید با نظم و ترتیب هر کاری را به موقع و در زمان مقرر انجام داد، تأکید کرده‌اند و در خطبه دیگری می‌فرمایند: «همانا در قرآن، دانش آینده، اخبار گذشته، داروی درد شما و (آیین) نظم و انضباط میان شما نهفته است» (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۷: ۴۴۹). همچنین ایشان در موارد متعدد، فلسفه صبر ۲۵ ساله خود را حفظ وحدت و نظم کیان اسلامی و دوری از تفرقه و پراکندگی امت اسلامی مطرح می‌کنند. امتی که در سایه اسلام توانسته بود بعد از مدت‌ها جنگ و خونریزی، به امنیت نسبی دست پیدا کند (لباف، ۱۳۸۵: ۸۳).

پیامبر اکرم (ص) نیز می‌فرمایند: «کارها همه، در گرو وقت خود است» (بحارالانوار/ ۱۶۵/۷۷)، یعنی کارها باید به نظم انجام پذیرد و امام صادق (ع) نیز در اهمیت نظم در کارها اینگونه می‌فرمایند: «کسی که به کاری جز در وقت آن آغاز کند، تمام شدن آن در وقت خود نخواهد بود» (بحارالانوار / ۳۳۸/۷۱). همچنین غزالی بیان می‌دارد که: «بی‌گمان نظم دین جز با نظم دنیا به دست نمی‌آید» (بحارالانوار / ۳۳۸/۷۱). بدین معنا که نگرش اسلامی، امنیت اجتماعی و آسودگی خاطر نسبت به وجود و سلامتی عناصر اجتماعی و

عمران انسانی، چه مادی و چه معنوی، از سلامتی بدن گرفته تا بقای حیات، پوشاک، مسکن، غذا و امنیت را که باعث نفی عوامل ترس، بیم و وحشت می‌گردد، همه‌ی این‌ها را در شمار «ضرورت‌ها» و «نیازمندی‌ها» قرار داده است، نه فقط در دسته‌ی «حقوق» یا «تجملات»، و سپس آن‌ها را «فریضه‌ای» دانسته است که سایر فرایض و عبادات دینی براساس و پایه‌ی آن ترتیب می‌یابد (عمار، ۱۳۸۳: ۳۶). با توجه به مضامین اسلامی برای رعایت نظم می‌توان چندین آثار و فایده نام برد که شامل موارد زیر می‌شود.

۱- استفاده بهینه از فرصت‌ها: دستیابی سریع به اهداف، صرفه جویی در وقت و استفاده بهینه از فرصت‌ها از مهم‌ترین آثار نظم و برنامه‌ریزی در کارهاست.

۲- نتیجه بخشی کارها: حاکم کردن نظم و انضباط در کارها به انجام شایسته، به موقع و سودمند آن منتهی می‌شود.

۳- تنظیم افکار: از جمله عوامل موثر در نظم فکری انسان، رعایت نظم در رفتار فردی و اجتماعی است. پابندی به نظم در تمامی امور، افکار آدمی را منظم و منسجم می‌کند و به طی سریع مراحل رشد و کمال می‌انجامد.

۴- استحکام امور: استحکام در کارها از دیگر نتایج نظم و انضباط است. کارهای انسان منظم، چنان دقیق است که آن‌ها را استوار و پایدار می‌کند. چنین کسی، از سستی و سهل انگاری در امور بیزار است.

۵- احترام به حقوق افراد: از دیگر فواید نظم، احترام به حقوق دیگران است. در پرتو نظم، حقوق افراد مراعات می‌شود (گیلانی، ۱۳۹۰: ۸۲-۸۵).

در تعالیم اسلام می‌توان تجلی نظم را در عبادت‌های گروهی نیز مشاهده کرد، از آن جمله نماز جماعت است، که در آن همه مومنان، در صفوف منظم، رو به قبله، می‌ایستند و به پیروی از امام جماعت، با هم به رکوع و سجده می‌روند و قنوت و تشهد و سلام

می‌خوانند. پیامبر اکرم در این خصوص می‌فرمایند: «میان صف‌ها را مرتب کنید و دوش به دوش هم بایستید، تا شیطان بر شما غلبه نکند» (وسایع الشیعه، ج ۵: ۴۷۲). یکی دیگر از عبادت‌ها فریضه حج است که در آن همه حاجیان، در روزهایی خاص، احرام می‌بندند و با هم در عرفات وقوف پیدا می‌کنند و سایر مراسم عبادی را به جا می‌آورند. نمونه‌های دیگر این نظم را در روزه گرفتن، داشتن قبله واحد، آداب و احکام مسجد و غیره می‌توان نام برد (مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۲: ۷۹-۸۰).

ب) امنیت:

حضرت زهرا علیه السلام در بخشی از خطبه خود می‌فرمایند: «پس خدای متعال ایمان را برای پاک نمودن شما از شرک، و نماز را برای دور نمودنتان از کبر، و زکات را برای تزکیه نفس و توسعه روزی، و روزه را برای استواری اخلاص، و حج را برای پایداری دین، و عدالت ورزی را برای هماهنگی دل‌ها، و فرمانبرداری از ما را برای نظم جامعه، و رهبری ما را سبب امنیت از پراکندگی، و جهاد را برای عزت بخشی اسلام، و بردباری در برابر مشکلات را کمکی در بدست آوردن پاداش، و امر به معروف را برای اصلاح جامعه قرار داد» (بخشی از خطبه بزرگ، احتجاج، ج ۱: ۱۳۴). همانطور که در خطبه بیان می‌شود، نظم و امنیت در راستای هم مطرح می‌گردد، فرمانبرداری از رهبری واحد سبب نظم در جامعه و مانعی در جهت پراکندگی افراد جامعه معرفی می‌گردد. در واقع زمانی که نظم در جامعه پیاده سازی شود، در راستای برقراری نظم، افراد جامعه نیز احساس امنیت و آرامش خاطر می‌کنند. امام علی (ع) نیز در خصوص امنیت می‌فرمایند: «بدترین وطن‌ها آن است که اقامت کنندگان در آن ایمن نباشند» (شرح غررالحکم، ج ۴: ۱۷۱). یا اینکه امیر مومنان بیان داشته‌اند که: «هیچ نعمتی گواراتر از امنیت نیست» (شرح غررالحکم، ج ۶: ۴۳۵). و

در جایی دیگر می‌فرمایند: «آسایش زندگی در امنیت است» (شرح غررالحکم، ج ۴: ۱۰۰).

حضرت علی(ع) یکی از مهم‌ترین اهداف و مأموریت حکومت اسلامی را تأمین امنیت شهروندان و مقابله با عوامل تهدید، تعرض به جان، مال، آبرو و ناموس آنان می‌دانند و می‌فرمایند: «پروردگار، تو می‌دانی که مطالبه و اقدام ما برای به دست آوردن حکومت نه برای تلاش و رقابت در میدان سلطه‌گری بوده و نه برای خواستن زیادتی از مال دنیا، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های حق و دین تو را به جایگاه خویش بازگردانیم و در سرزمین‌های تو اصلاح را ظاهر کنیم. باشد که بندگان ستم‌دیده امن و امان یابند و آن کيفرها و احکام تو که از اجرا باز ایستاده به جریان بیفتند» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱: ۲۴۹).

ج) سبک زندگی اسلامی:

از نظر اسلام، رعایت نظم و انضباط آنقدر مهم است که باید آن را از آغاز ولادت و در زمان شیرخوارگی پایه‌گذاری کرد، برای رسیدن به این هدف می‌توان از دو وسیله استفاده کرد: وسیله اول: تنظیم برنامه برای شیر دادن و تغذیه کودک. در این طریق مادر برای شیر دادن و تغذیه کودک برنامه‌ای را تنظیم می‌کند و در فاصله‌های معین و رأس ساعت مخصوص، به کودک خود شیر می‌دهد تا سیر شود. وسیله دوم: تنظیم برنامه برای خواب. بچه باید بداند که بی‌جهت گریه نکند و دیگران هم حق استراحت دارند و بر طبق دلخواه خودش و بی دلیل مزاحم آن‌ها نشود (امینی، ۱۳۸۷: ۲۳۶-۲۳۸). در دوره‌های بعد، همانند دوران نوجوانی نیز کودکان بیش از هر زمان دیگر آمادگی دارند تا آنچه را پدر و مادر یا سایر بزرگسالان از او توقع و انتظار دارند، انجام دهد و آمادگی فراوانی برای ارضای خواسته‌های پدر، مادر و سایر بزرگسالان از خود نشان می‌دهد و خود را بیشتر در اختیار

آن‌ها قرار می‌دهد؛ زیرا در این دوره خاصیت نقش‌پذیری دارد و در جستجوی نقشی است که باید در میان بزرگسالان ایفا کند (سیف، ۱۳۸۷: ۳۱۴).

به طور کلی وقتی انسان، عملی را به طور مستمر تکرار کرد به تدریج به آن خو کرده و حالتی در نفسش به وجود می‌آید که اصطلاحاً عادت نامیده می‌شود. انسان معتاد با عمل مزبور، انس و الفت خاصی پیدا می‌کند و طبعاً تمایل دارد آن را ادامه دهد. ممکن است انجام عملی برای انسان در آغاز، دشوار و حتی ناگوار باشد ولی بعد از تکرار و حصول اعتیاد، آسان و گوارا می‌گردد، به گونه‌ای که گویا از طبیعت صادر می‌شود و یک فعل طبیعی است. امیر المومنین می‌فرماید: «عادت طبیعت ثانویه است» (غررالحکم، فصل اول، شماره ۷۵۹ «العاده طبع ثانی»). علمای اخلاق و تعلیم و تربیت، عادت دادن را یکی از روش‌های مهم تربیت می‌دانند و نقش بزرگی را برایش اثبات می‌نمایند؛ بلکه فن تربیت را فن عادت دادن می‌شمارند (امینی، ۱۳۸۷: ۳۸۰). ایجاد عادت با الگو و سرمشق خوب پدید می‌آید، با تشجیع و تشویق و پاداش و با الزام سخت نیز صورت می‌گیرد و عادت دادن کودک به تنظیم و تربیت و مرتب کردن وسایل و چیزهای که دارد و پخش و پرت و پلان کردن آن‌ها در اطاق، یک کار لازم و ضروری است (قطب، ۱۳۸۹: ۵۰۴).

امام علی (ع) نیز می‌فرماید: «دشوارترین کارها تغییر عادت است» (غررالحکم، فصل هشتم، شماره ۱۴۲ «أصعب السياسات نقل العادات»). پس وقتی فرد به نظم و انضباط عادت کند دیگر، به سختی می‌تواند آن را ترک کند، و بطور حتم در بزرگسالی نیز در زندگی فردی و اجتماعی خود نظم و انضباط را برقرار می‌سازد و بالعکس اگر کسی در کودکی نظم و انضباط فردی را در خانواده نیاموخته باشد در بزرگسالی نیز به سختی می‌توان به وی نظم و انضباط را آموخت و جامعه مجبور است از ضمانت‌های اجرایی

بیرونی و قانون و مقررات نظامی و تنبیه و توبیخ نظامی در خصوص این افراد استفاده نماید تا در نهایت نظم عمومی را در جامعه برپا کند.

غریزه تقلید نیز یکی از نیرومندترین، ریشه دارترین و سودمندترین غرایز بشری که در طبیعت انسان‌ها نهاده شده و نیازی به آموزش ندارد. کودک از آغاز یک مقلد است و تا آخر عمر هم چنان مقلد باقی خواهد ماند؛ گرچه با رشد عقلی، از تقلید او کاسته خواهد شد. تقلید از رفتار الگوها در زندگی کودکان خردسال، به خوبی مشاهده می‌شود. تقلید غریزه سودمند طبیعی است و نمی‌توان جلو آن را گرفت بلکه باید در راه تربیت افراد، از آن استفاده کرد (امینی، ۱۳۸۷: ۳۹۳). امام خمینی در این باره می‌فرماید: «چون اطفال را حشر دائم یا غالب با پدر و مادر است، تربیت‌های آن‌ها باید عملی باشد؛ یعنی، اگر فرضاً خود پدر و مادر به اخلاق حسنه و اعمال صالحه متصف نیستند، در حضور طفل با تکلف، خود را به صلاح نمایش دهند تا آن‌ها عملاً مرتاض و مربی شوند، و این خود، شاید مبدأ اصلاح خود پدر و مادر نیز شود؛ زیرا که مجاز قنطره حقیقت و تکلیف راه تخلق است» (فراهانی، ۱۳۸۷: ۲۶۳).

تربیت به وسیله داستان نیز نوع دیگری است از شیوه تربیت که در آن از حادثه و رویداد استفاده می‌شود. با این حال، این حادثه و رویداد خارجی است و برای اشخاص دیگری غیر از خوانندگان داستان و شنوندگان آن واقع شده است، با این وصف، در نفس و روح تأثیر مهمی دارد مانند حادثه‌ای که برای خود انسان پیش آمده باشد (قطب، ۱۳۸۹: ۵۰۴). بطور کلی والدین سه نوع رفتار متفاوت با فرزندان خود در تعلیم و تربیت دارند که به شرح ذیل می‌باشد:

۱- والدین قاطع و اطمینان بخش: آنان بر آزادی اراده و انضباط تأکید می‌کنند. رابطه کلامی و تبادل را تشویق می‌کنند یا از او انتظاراتی دارند، برایش دلیل می‌آورند. تحقیقات

نشان می‌دهد که چنین والدینی به ایجاد اعتماد به نفس و عزت نفس، احساس مسئولیت، توانش اجتماعی، خود مختاری و رابطه نزدیک و مثبت با فرزندان کمک می‌کنند.

۲- والدین خودکامه و مستبد: والدین مستبد، لزومی نمی‌بینند که برای دستوراتی که می‌دهند دلیلی ارائه دهند و به نظر آنان اطاعت بی چون و چرا یک فضیلت است.

۳- والدین سهل گیر و بی بند و بار: والدینی که سهل گیر، بی اعتناء یا به حد افراط و مساوات طلباند نیز نمی‌توانند آن طور که نوجوانان نیاز دارند حامی آنان باشند. بعضی از والدین می‌گذارند که نوجوانان هرکاری می‌خواهند بکنند، شاید به این دلیل که کاری به کار نوجوانان ندارند و یا اینکه اهمیتی نمی‌دهند.

بطور خلاصه، به نظر می‌رسد که شیوه‌های دموکراتیک و قاطعانه والدین اگر با توضیحاتی در مورد قواعد و انتظاراتشان همراه باشد از بسیاری از جهات استقلال همراه با احساس مسئولیت را در نوجوانان پرورش می‌دهد. اول اینکه، این روش‌ها امکاناتی برای خودمختاری نوجوانان فراهم می‌کند که البته همراه است با راهنمایی‌های والدین علاقه‌مند که با نوجوان ارتباط برقرار می‌کنند و تا حد مناسبی کنترل را به دست دارند. دوم اینکه، این روش‌ها نوجوان را تشویق می‌کند تا با والدین همانند سازی کنند؛ همانند سازی که بیشتر براساس محبت و احترام والدین به نوجوان است نه بی‌اعتنایی و سهل انگاری آنان. سوم اینکه، آنان با سرمش دهی به نوجوانان نشان می‌دهند که خود مختاری ممکن است، ولی در چارچوب نظم دموکراتیک (ماسن، ۱۳۸۰: ۶۶۹).

ایمان چیزی است که در بروز و ظهور امنیت در مقیاس فردی و اجتماعی صاحب نقش بنیادی است. در سایه ایمان، افراد و جوامع احساس آرامش و امنیت می‌کنند. قرآن می‌فرماید: «کسانی که ایمان آوردند و ایمانشان را با ظلم نیالایند، امنیت حقیقی برای آن‌ها است» (سوره انعام/ آیه ۲۸). امنیت فردی در گروه داشتن ایمان واقعی است، آن چنان که

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «کسانی که به یکتایی خدا در تدبیر جهان ایمان آورده و ایمانشان را با هیچ ستمی نپوشانده و بی اثر نکرده‌اند آن‌اند که ایمنی دارند و آنان هدایت یافتگان اند» (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۳۷). بی تردید در ایجاد امنیت و احساس امنیت عوامل گوناگونی دخالت دارند که فقدان آن‌ها برقراری احساس امنیت را کند کرده یا مانع تحقق آن می‌شود که یکی از این عوامل بی‌نظمی در جامعه می‌باشد.

روش شناسی تحقیق

روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و استنتاجی است به این معنا که ابتدا با نگرشی اسنادی به توصیف و سپس تحلیل سبک زندگی در جامعه اسلامی و نقش متغیرهای دخیل پرداخته می‌شود و سپس تأثیر عوامل مختلف بر این نوع سبک زندگی مورد بررسی و تجزیه تحلیل قرار می‌گیرد.

یافته های تحقیق

سبک زندگی در بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی): فارغ از اینکه اصطلاح «سبک زندگی» در فرهنگ واژگان حضرت امام خامنه‌ای (مدظله) تازگی دارد یا نه، آنچه که در کشور ما از آن به عنوان سبک زندگی یاد می‌کنند، از همان آغاز رهبری ایشان یا حتی قبل‌تر از آن دغدغه‌ی ایشان بوده است بنده زمان ریاست جمهوری در شورای عالی انقلاب فرهنگی قضیه‌ی طرح لباس ملی را مطرح کردم و گفتم بیاید یک لباس ملی درست کنیم [...] عرب‌ها لباس ملی خودشان را دارند، هندی‌ها لباس ملی خودشان را دارند، اندونزیایی‌ها لباس ملی خودشان را دارند [...] من و شما که ایرانی هستیم، لباسمان چیست؟ (بیانات در دیدار جمعی از جوانان استان همدان، ۱۳۸۳/۴/۱۷)

در باب سبک زندگی مقام معظم رهبری همیشه و در همه موارد در سال‌های گذشته به این بحث اشاره داشته‌اند که چگونه سبک زندگی اسلامی را بنا نهیم به طوری که ایشان در همان ابتدای راه رهبری جامعه اسلامی در سال ۱۳۶۹ چنین بیان نمودند که جمهوری اسلامی، از اول نشان داد که زیر بار فرهنگ مبتذل و فاسد غربی نخواهد رفت. این نکته را من عرض کنم که سلطه‌ی واقعی قدرت‌ها، سلطه‌ی فرهنگی است. یعنی اگر ملتی بتواند فرهنگ و باورها و اعتقادات و رسوم و آداب و عادات خود را، و در مرحله‌ی بالاتر، زبان و خط خوی را در ملت دیگری نفوذ بدهد، بر آن ملت مسلط است و سلطه‌ی او، یک سلطه‌ی حقیقی است؛ کاری که در دوره‌ی بی از این دویست سال گذشته فرانسوی‌ها با کشورهای دیگر کردند، و در یک دوره‌ی دیگر انگلیسی‌ها کردند، و در این اواخر آمریکایی‌ها انجام دادند؛ یعنی زبان و خط و فرهنگ و روش‌های زندگی خودشان را به هر کشوری که توانستند، صادر کردند. اگر کشوری از لحاظ اقتصادی هم مستقل باشد و وابسته‌ی به قدرت‌ها نباشد، اما چنانچه قدرت‌های بیگانه بتوانند فرهنگ خودشان را در این کشور نفوذ بدهند، بر آن مسلطند (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۳۶۹/۱/۱۰)

ایشان همچنین به مناسبت‌های مختلف بحث سبک زندگی را بیان نموده‌اند و از مردم خواسته‌اند که با اسلام زندگی کنند تا بتوانند همیشه موفق باشند به طوری که ایشان می‌فرمایند یکی از خصوصیات فرهنگ غربی، عادی سازی گناه است؛ گناه‌های جنسی را عادی می‌کنند. امروز این وضعیت در خود غرب به فضاقت کشیده شده؛ اول در انگلیس، بعد هم در بعضی از کشورهای دیگر و آمریکا. این گناه بزرگ همجنس بازی شده یک ارز! به فلان سیاستمدار اعتراض می‌کنند که چرا او با همجنس بازی مخالف است، یا با همجنس بازها مخالف است! ببینید انحطاط اخلاقی به کجا می‌رسد. این، فرهنگ غربی است. همچنین فروپاشی خانواده، گستر مشروبات الکلی، گستر مواد مخدر.

فرهنگ غربی فقط هواپیما و وسایل آسایش زندگی و وسایل سرعت و سهولت نیست؛ این‌ها ظواهر فرهنگ غربی است، که تعیین کننده نیست؛ باطن فرهنگ غربی عبارت است از همان سبک زندگی مادی شهوت آلود گناه آلود هویت زدا و ضد معنویت و دشمن معنویت. شرط رسیدن به تمدن اسلامی نوین در درجهی اول این است که از تقلید غربی پرهیز شود. ما متأسفانه در طول سال‌های متمادی، یک چیزهائی را عادت کرده‌ایم تقلید کنیم. بنده طرفدار این نیستم که حالا در مورد لباس، در مورد مسکن، در مورد سایر چیزها، یکباره یک حرکت جمعی و عمومی بگیرد؛ نه، این کارها باید بتدریج انجام بگیرد؛ دستوری هم نیست؛ این‌ها فرهنگ‌سازی لازم دارد. همان طور که گفتم، کار نخبگان است، کار فرهنگ‌سازان است. و شما جوان‌ها باید خودتان را برای این آماده کنید؛ این، رسالت اصلی است (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳)

همچنین ایشان در باب پیشرفت با سبک زندگی چنین می‌فرمایند «یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی، شیوه‌ی زیستن - این‌ها عبارۀ اخرای یکدیگر است - این یک بُعد مهم است؛ این موضوع را می‌خواهیم امروز یک قدری بحث کنیم. ما اگر از منظر معنویت نگاه کنیم - که هدف انسان، رستگاری و فلاح و نجات است - باید به سبک زندگی اهمیت دهیم؛ اگر به معنویت و رستگاری معنوی اعتقادی هم نداشته باشیم، برای زندگی راحت، زندگی برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، باز پرداختن به سبک زندگی مهم است بنابراین مسئله، مسئله‌ی اساسی و مهمی است (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳)

مقام معظم رهبری در رابطه با هدف زندگی چنین می‌فرمایند که «رفتار اجتماعی و سبک زندگی، تابع تفسیر ما از زندگی است: هدف زندگی چیست؟ هر هدفی که ما برای زندگی معین کنیم، برای خودمان ترسیم کنیم، به طور طبیعی، متناسب با خود، یک سبک زندگی به

ما پیشنهاد می‌شود. یک نقطه‌ی اصلی وجود دارد و آن، ایمان است. یک هدفی را باید ترسیم کنیم - هدف زندگی را- به آن ایمان پیدا کنیم. بدون ایمان، پیشرفت در این بخش‌ها امکان‌پذیر نیست؛ کار درست انجام نمی‌گیرد. حالا آن چیزی که به آن ایمان داریم، می‌تواند لیبرالیسم باشد، می‌تواند کاپیتالیسم باشد، می‌تواند کمونیسم باشد، می‌تواند فاشیسم باشد، می‌تواند هم توحید ناب باشد؛ بالاخره به یک چیزی باید ایمان داشت، اعتقاد داشت، به دنبال این ایمان و اعتقاد پی رفت. مسئله‌ی ایمان، مهم است. ایمان به یک اص، ایمان به یک لنگرگاه اصلی اعتقاد؛ یک چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳)

«اکنون به شما فرزندان عزیزم در مورد چند سرفصل اساسی توصیه‌هایی می‌کنم. این سرفصل‌ها عبارتند از: علم و پژوهش، معنویت و اخلاق، اقتصاد، عدالت و مبارزه با فساد، استقلال و آزادی، عزت ملی و روابط خارجی و مرزبندی با دشمن، سبک زندگی». (بیانیه گام دوم انقلاب)

«دانش، آشکارترین وسیله‌ی عزت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دو‌یست ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیان‌های اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آن‌ها را به دست گیرد. ما به سوءاستفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه‌ی دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم. بحمدالله استعداد علم و تحقیق در ملت ما از متوسط جهان بالاتر است. اکنون نزدیک به دو دهه است که رستاخیز علمی در کشور آغاز شده و با سرعتی که برای ناظران جهانی غافلگیرکننده بود -

یعنی یازده برابر شتاب رشد متوسط علم در جهان - به پیش رفته است. دستاوردهای دانش و فناوری ما در این مدت که ما را به رتبه شانزدهم در میان بیش از دویست کشور جهان رسانید و مایه‌ی شگفتی ناظران جهانی شد و در برخی از رشته‌های حسّاس و نو پدید به رتبه‌های نخستین ارتقاء داد، همه و همه در حالی اتفاق افتاده که کشور دچار تحریم مالی و تحریم علمی بوده است. ما با وجود شنا در جهت مخالف جریان دشمن‌ساز، به رکوردهای بزرگ دست یافته‌ایم و این نعمت بزرگی است که به خاطر آن باید روز و شب خدا را سپاس گفت».

«سبک زندگی: سخن لازم در این باره بسیار است. آن را به فرصتی دیگر وامیگذارم و به همین جمله اکتفا می‌کنم که تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان‌ها است» (بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

تأثیر عملکرد پلیس بر سبک زندگی مردم

نیروهای مسلح به خصوص نیروی انتظامی به عنوان نیرویی که در بطن اجتماع است و بیشترین ارتباط با بدنه مردم را دارد به عنوان الگوی عملی و رفتاری مردم قرار دارد و قطعاً سبک زندگی، منش اخلاقی و نحوه رفتاری و گفتاری کارکنان نیروی انتظامی بر سبک زندگی مردم نیز تأثیر دارد. از همین رو نیروی انتظامی بایستی به سبک زندگی کارکنان کادر و وظیفه خود به عنوان یکی از اولویت‌های خود اهمیت دهد مواردی همچون ساده زیستی، صداقت در گفتار و رفتار، حسن معاشرت با مردم، امانت داری و ... از اصول تربیتی به شمار می‌آید که نیروی انتظامی همواره بر آن تأکید دارد.

از طرفی دیگر نظارت پلیس بر واحدهای فروش پوشاک و برخورد با فروش اجناس انحرافی و غرب مابانه، مقابله جدی با مروجان بدپوششی، بی‌بندوباری، جلوگیری از دور دور کردن خودروهای لوکس و گران‌قیمت و فخر فروشی به اصطلاح افراد مرفه و مواردی از این دست می‌تواند در تغییر سبک زندگی مردم تأثیر بگذارد که تا کنون این گونه اقدامات از سوی ناجا در حال انجام است و باید همچنان با قوت و اقتدار بیشتری در راستای تحقق بیانیه گام دوم انقلاب ادامه یابد که البته حمایت و پشتیبانی دیگر دستگاه‌ها را هم می‌طلبد.

نیروی انتظامی در تحقق اهداف بیانیه گام دوم نقش جدی و بسزایی دارد و از همین رو خود را ملزم و مکلف می‌داند تا نسبت به اجرای اصول مدنظر حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) برای گام دوم انقلاب و ادامه پیشرفت ایران اسلامی با عزم جهادی و روحیه بسیجی تلاش کند. بی‌تردید «گام دوم انقلاب» بیانیه‌ای است که اداره انقلاب را از نسل گذشته به نسل جدید و جوان کشور واگذار می‌کند. پس باید با همه دستگاه‌ها تلاش خود را انجام دهیم که این انتقال به خوبی صورت گیرد و ان شاء الله جوانان نسل برومند ایران اسلامی پرچم این انقلابی که ثمره خون هزاران شهید، جانباز و آزاده سرافراز و مجاهدت علما و مراجع عظام در طول تاریخ اسلام است را به صورت سالم و بدون هیچگونه عیب و ایرادی به صاحب اصلی آن یعنی حضرت ولیعصر (عج) تحویل دهند. وی ادامه داد: موضوع مرزبندی با دشمن نیز در بیانیه گام دوم انقلاب مورد اشاره مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) است، باید توجه کنیم که در گفتار، رفتار و عمل مان مرزبندی ما با دشمن مشخص باشد، هر شخص و گروهی که در تقابل با نظام و انقلاب است، دشمن و خائن به کشور و مردم به حساب می‌آید. توجه بر سبک زندگی اسلامی نیز در بیانیه گام دوم انقلاب رهبری اشاره شده است، به عنوان پاسداران

ارزش‌های انقلاب و حافظان نظم و انضباط در جامعه باید در تحقق سبک زندگی اسلامی - ایرانی پیشگام و پیشقدم باشیم.

وی در بخش دیگری از سخنان خود با تقدیر از دست اندرکاران برگزاری همایش تخصصی معاونت عملیات ناجا به ویژه سردار حسین ساجدی نیا؛ معاون عملیات ناجا عنوان کرد: از زحمات آحاد فرماندهان و کارکنان این معاونت تشکر می‌کنم، انصافاً روند رو به رشدی را در این معاونت شاهدیم. عالی‌ترین مقام انتظامی کشور با تشریح عملکرد یک ساله نیروی انتظامی یادآور شد: معاونت عملیات ناجا باید ایفاگر نقش کلیدی در اجرا و تحقق اولویت‌های مأموریتی باشد و اجرای مأموریت‌ها توسط این معاونت تسهیل شود. سردار اشتری تأکید کرد: طرح‌های عملیاتی باید با برنامه، شفاف، عالمانه و توأم با ابتکار عمل و نوآوری باشد، از طرفی لازم است برای اعتلای آمادگی‌های رزمی و عملیاتی پلیس به صورت ویژه برنامه‌ریزی و تمرکز کنیم. اقدامات باید بر مبنای اولویت‌های مأموریتی پیش رود و شاهد بودیم که این معاونت در سال جاری طرح‌های عملیاتی و پشتیبانی‌های لازم از پلیس‌ها و معاونت‌های تخصصی را بر مبنای اولویت‌های مشخص شده پیش برد، در سال آتی نیز اقدامات باید بر مبنای اولویت‌های تعیین شده اجرایی شود. لزوم تعامل پلیس با آحاد جامعه و قشرهای اجتماعی اعم از ائمه جماعت، نخبگان و فرهیختگان جامعه همچنین شایسته است با آحاد جامعه و قشرهای اجتماعی اعم از ائمه جماعت، نخبگان، فرهیختگان و... تعامل سازنده و مستمر داشته باشیم چرا که این مهم علاوه بر اینکه به ارتقاء سرمایه اجتماعی پلیس کمک می‌کند در تسهیل در اجرای مأموریت‌ها نیز موثر است. عدالت محوری و مبارزه با فساد سرلوحه و اولویت مأموریتی پلیس است و خوشبختانه نیروی انتظامی در این حوزه اقدامات مثمرالثری را به ویژه در شناسایی و دستگیری مفسدان اقتصادی انجام داده و این روند با قدرت ادامه دارد.

نتیجه گیری

تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی زیادی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوان‌ها است. پس از حضور پر شور و وصف ناپذیر مردم در ۲۲ بهمن سال ۹۷ و عبور انقلاب اسلامی از مرز چهل سالگی خود، حضرت آیت‌الله امام خامنه‌ای در بیانیه گام دوم انقلاب را خطاب به آحاد مختلف مردم و مسئولان به خصوص جوانان مؤمن و انقلابی صادر کردند که عملیاتی کردن این بیانیه قطعاً آینده‌ای روشن و درخشان پیش روی ما قرار خواهد داد. رهبر معظم انقلاب اسلامی با بر شمردن تحولات و پیشرفت‌های بزرگ ایران اسلامی در ۴۰ سال اخیر و مقایسه وضعیت کنونی کشورمان با دوران طاغوت، اهداف و قله‌هایی را نیز برای ۴۰ سال دوم انقلاب اسلامی تبیین کردند که تلاش برای رسیدن به این قله‌های عظیم باید از اولویت‌ها و بایدهای نخستین قشرهای مختلف مردم، مسئولان سازمان‌ها و نهادهای کشور باشد. در این میان نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که بر اساس قانون اساسی حفظ نظم و امنیت مردم در تمام ابعاد آن را برعهده دارد.

اسلام، دین کاملی است که برای همه جنبه‌های زندگی دستورات و فرامین خاصی صادر نموده است. نظم و امنیت نیز از جمله مفاهیمی است که در ارکان نظام هستی به خوبی مشاهده می‌شود و برای بقاء و ثبات جامعه لازم و ضروری است از این رو اسلام نه تنها به آن تأکید و سفارش نموده است بلکه انجام تمامی مراسم مذهبی و دینی خود را با نظم و انضباط خاصی به انجام می‌رساند و بقاء این نظم و انضباط در جامعه را، در گرو امنیت در جامعه می‌داند. همچنین با توجه به شرایط سنی و جسمی کودک، سبک زندگی اسلامی، بهترین شیوه نظم و امنیت آموزی به کودکان را، رعایت این نکات از طرف خود

والدین قلمداد می‌کند. زیرا با توجه به شرایط سنی کودکان، آن‌ها در این دوران به مقلدان صرف رفتار والدین تبدیل می‌شوند، که عیناً رفتار والدین را تقلید می‌کنند، اگر والدین در عمل به طور ناخودآگاه این اصول را رعایت نمایند، خود به خود فرزندان نیز به این اصول پایبند خواهند گردید. علاوه بر این لازم است که به کرات نظم آموزشی به کودکان یاد آوری و تأکید شود. به طور مثال خواندن نماز به عنوان یک شعار اسلامی باید به کودکان یادآوری شود و آن‌ها را در سنین کودکی به آن عادت داد. جنبه‌های دیگر نظم و امنیت در زندگی فردی و اجتماعی نیز باید در سنین کودکی مدام برای فرزندان یادآوری شود تا به یک عادت ثانویه برای آن‌ها مبدل گردد. همچنین بیان نکات تربیتی از طریق غیر مستقیم همانند داستان سرایی نیز در این دوران یکی از روش‌های موثر در درونی سازی نظم و امنیت برشمرده می‌شود. به طوری که قرآن کریم نیز با بیان داستان‌های مختلف و بیان سرنوشت آن‌ها به درونی سازی مفاهیم انسانی و دینی به افراد بشر می‌پردازد.

ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضدّ معنویّت و ضدّ اخلاق نهاده است و هم اکنون تهاجم روزافزون دشمنان به دل‌های پاک جوانان و نوجوانان و حتّی نونهالان با بهره‌گیری از این ابزارها را به چشم خود می‌بینیم. دستگاه‌های مسئول حکومتی در این باره وظایفی سنگین بر عهده دارند که باید هوشمندانه و کاملاً مسئولانه صورت گیرد و این البتّه به معنی رفع مسئولیّت از اشخاص و نهادهای غیرحکومتی نیست. در دور هی پیش رو باید در این باره برنامه‌های کوتاه مدّت و میان مدّت جامعی تنظیم و اجرا شود.

منابع

- ادیب، علی محمد حسین. (۱۳۸۸)؛ راه و روش تربیت از دیدگاه امام علی، (ترجمه، سید محمد رادمش)، تهران: موسسه انجام کتاب.
- امینی، ابراهیمی. (۱۳۸۷)؛ اسلام و تعلیم و تربیت. قم: موسسه بوستان کتاب.
- باقری، خسرو. (۱۳۸۶)؛ نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش.
- بحری پور، عباس؛ ذوالفقاری، ابوالفضل؛ رستگار خالد، امیر. (۱۳۹۱)؛ بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی (مطالعه موردی شهرستان کاشان). فصلنامه پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی. زمستان، شماره ۴، صص ۸۹-۱۰۹.
- بیرو، آلن. (۱۳۸۰)؛ فرهنگ علوم اجتماعی. (ترجمه باقر ساروخانی). تهران: انتشارات کیهان.
- خادمیان، طبعه. (۱۳۸۷)؛ سبک زندگی و مصرف فرهنگی مطالعه‌ای در حوزه جامعه‌شناسی فرهنگی و دیباچه‌ای بر سبک زندگی فرهنگی ایرانیان، تهران، موسسه فرهنگی - هنری جهان کتاب.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۷)؛ جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشر نی.
- حسینی، سید علی اکبر. (۱۳۷۹)؛ تعلیم و تربیت اسلامی، مبانی، منابع و اصول. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- حبیبی، شراره. (۱۳۹۰)؛ جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت. تهران: انتشارات آوای نور.

- زمانی، محمود. (۱۳۹۰)؛ عرف و عادت در نظم حقوقی ایران. تهران: انتشارات جاودانه، جنگل.

- رحمت آبادی، الهام و حبیب آقابخش. (۱۳۸۵)؛ «سبک زندگی و هویت اجتماعی جوانان»، فصلنامه علوم پژوهش رفاه اجتماعی، سال ۵، شماره ۲۰، صص ۲۳۵-۲۴۶.

- داوودی، محمد؛ حسینی زاده، سید علی. (۱۳۸۹)؛ سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

- فرجاد، محمد حسین. (۱۳۸۳)؛ آسیب شناسی و کجروی‌های اجتماعی. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات.

- قطب؛ محمد. (۱۳۸۹)؛ روش تربیتی اسلام و کاربرد عملی آن. ترجمه: محمود ابراهیمی، سنندج: نشر آراس.

- Abdi T. (2004). Analysis of socialism approach. Quarterly of Disciplinary Knowledge; 6(4) : 13-28. (In Persian).
- Karimi Khozani A. (2007). Editing of ethical principles in police staff. Quarterly of Disciplinary Knowledge; 9(3) : 96-111. (In Persian).
- McCartney S, Parent R. (2015). Ethics in law enforcement. Victoria/British Columbia: BCcampus.
- Bosliky H. (2016). Impact of driving law and Police behavior in ethical development. Quarterly of Ethical Research; 24: 21-42 (In Persian).
- Salehi Amiri SR, Karimi Khozani A. (2007). Role of social ethics on public & social secure. Ethics in Science & Technology; 11(1): 11-18. (In Persian).
- Lishman F, Barry L, Savij S. (2007). Police work and it s vital challenges. Translated by: Shakery H. Tehran: Publication of NAJA Research & Study Organization. (In Persian).
- Crank P, Caldero MA. (2011). Police ethics. Translated by: Dargahi R. (2013). Tehran: Alamat Publication. (In Persian).
- Meese E, Ortmayer PG. (2004). Leadership, ethics and policing: challenges for the 21st century. Translated by: Shakery H. (2006). Tehran: Publication of NAJA Researches & Studies Organization. (In Persian).

- Rosengern, Karl Erlik. (1996). Media. Effect and regard. Culture, socialization and lifestyle. London and New York: Routledge.
- Lott, Anthony d, (2004). Creating insecurity, realis, constructivism, and US security Policy, USA: Ashgate Publishing Company.